|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| **دوره دهم ـ سال اول** |  |  **شماره چاپ 76** |
| **تاريخ چاپ 24/4/1395** |  |  **شماره‌ثبت 65** |

**يك شوري**

لايحه حمايت از كودكان و نوجوانان

**(دراجراي ماده «141» آيين‌نامه داخلي مجلس شوراي اسلامي)**

كميسيون‌هاي ارجاعي

اصلي:

قضائي و حقوقي

آموزش، تحقيقات و فناوري- اجتماعي- بهداشت و درمان- شوراها و امور داخلي كشور- فرهنگي

فرعي:

**معاونت قوانين**

**اداره كل تدوين قوانين باسمه تعالي**

**شماره 37559/53107**

**تاريخ 31/3/1395**

**معاونت امور مجلس رئيس جمهور**

هيأت وزيران در جلسه مورخ 16/3/1395 موافقت كرد:

در اجراي ماده (141) قانون آيين‌نامه داخلي مجلس شوراي اسلامي لوايح مندرج در فهرست پيوست كه تأييد شده به مهر«دفتر هيأت دولت» است، در دستور كار مجلس شوراي اسلامي قرار گيرد.

**اسحاق جهانگيري**

**معاون اول رئيس‌جمهور**

**شماره 54799/48185**

**تاريخ 22/3/1391**

**معاونت امور مجلس رئيس جمهور**

هيأت وزيران در جلسه مورخ 21/3/1391 موافقت نمود:

لوايح مندرج در فهرست پيوست كه به مهر«دفتر هيأت دولت» تأييد شده است، در دستور كار مجلس شوراي اسلامي قرار گيرد.

**محمدرضا رحيمي**

**معاون اول رئيس‌جمهور**

**شماره: 169636/43285**

**تاريخ: 28/8/1390**

**جناب آقاي دكتر لاريجاني**

**رئيس محترم مجلس شوراي اسلامي**

لايحه «حمايت از كودكان و نوجوانان» كه بنا به پيشنهاد قوه قضائيه در جلسه مورخ 9/5/1390 هيأت‌وزيران به تصويب رسيده است، جهت طي تشريفات قانوني به پيوست تقديم مي‌گردد.

**محمود احمدي‌نژاد**

**رئيس جمهور**

**مقدمه توجيهي:**

با عنايت به اينكه مقررات مربوط به كودكان و نوجوانان در تمامي كشورها به‌سرعت درحال گسترش مي‏باشد‌ و باتوجه به آسيب‏هاي اجتماعي و معضلات نوظهور و در حال افزايش نظير استثمار، سوءاستفاده، سوءرفتار و خشونت و همچنين مواردي از قبيل جنگ، بلاياي طبيعي، تصادفات، امراض و بيماري‏هايي مانند ايدز و يا مواردي نظير تغيير هويت، بي‏تابعيتي، ناتواني جسمي يا رواني و اختلال هويت جنسي و تأثيرات نامطلوب اين گونه وضعيت‏ها بر كودكان و نوجوانان كه سبب به وجود آمدن پديده‏هاي ناهنجاري مانند كودكان كار، كودكان فاقد هويت يا نامرئي، كودكان خيابان، كودكان معارض قانون و يا كودكان قرباني جرم مي‏گردد و با عنايت به عدم توانايي كودك در رويارويي و مقابله با خطرات و موقعيت‏هاي خطرزا و حتي‏گاه عدم شناخت وي از خطرات اجتماعي و نظر به اينكه عدم توجه به وضعيت و نيازهاي خاص اين دسته از اطفال و عدم سياستگذاري افتراقي در جهت رعايت مصلحت و غبطه ايشان، علاوه بر تضييع حقوق كودك، ممكن است بزه‌ديدگي يا بزهكاري ثانويه كودك و نوجوان را در پي داشته باشد و با توجه به ضرورت طراحي فرايند قضائي به‌گونه‏اي كه موجب كاهش خطرات و جبران آسيب‏هاي ناشي از جرم براي كودك و نوجوان در معرض خطر يا بزه‏ديده شود، لذا لايحه زير براي طي تشريفات قانوني تقديم مي‏شود:

**لايحه حمايت از كودكان و نوجوانان**

**فصل اول – تعاريف و كليات**

**ماده 1-** اصطلاحات به‌كار رفته در اين قانون، در معاني مشروح زير به‌كار مي‏روند:

الف - سوء رفتار: هرگونه فعل يا ترك فعل عمدي است كه سلامت جسمي، رواني، اخلاقي يا اجتماعي كودك و نوجوان را در معرض خطر و آسيب قرار دهد؛ از قبيل ضرب و جرح، محبوس كردن، سوءاستفاده جنسي، توهين و تهديد نسبت به كودك يا نوجوان يا قراردادن او در شرايط سخت و غيرمتعارف

ب - بهره‏كشي: به‌كارگيري غيرقانوني يا عدم رعايت شرايط قانوني كار كودك و نوجوان و يا وادار كردن يا گماردن او به كار يا خدمتي كه براي سلامت جسمي، رواني، اخلاقي يا اجتماعي او خطرناك باشد و يا موجب محروميت او از تحصيل شود.

پ - معامله: خريد و فروش يا هرگونه اقدامي كه به موجب آن كودك يا نوجوان در ازاء پرداخت وجه يا امتياز و ساير موارد در اختيار ديگري قرار مي‏گيرد.

ت - فحشاء: هرگونه به‌كارگيري و يا وادار كردن كودك و نوجوان در فعاليت‏هاي جنسي براي خود يا ديگري

ث - مبتذل:هرگونه محتوا يا تصويري كه داراي صحنه‏ها و صور قبيحه باشد.

ج - موضوعات و مضامين مستهجن: هرگونه محتوا يا تصوير كه به‌صورت واقعي يا مجازي بيانگر برهنگي نامتعارف يا آميزش، عمل و يا اندام جنسي باشد.

چ - هرزه‏نگاري: استفاده از كودك و نوجوان در تهيه و توليد موضوعات و مضامين مستهجن

ح - خطر شديد و قريب‏الوقوع: وضعيتي كه حيات يا سلامت جسمي يا رواني كودك و نوجوان به شدت تهديد و در معرض آسيب قرار گيرد، به نحوي كه مداخله فوري و چاره‏جويي را ايجاب نمايد.

خ - بزه‏ديده: كودك يا نوجواني كه جرمي عليه او واقع شده است.

د - وضعيت مخاطره‏آميز: اوضاع و احوالي كه موجبات مداخله قانوني براي حمايت از كودك و نوجوان به منظور جلوگيري از بزه‏ديد‏گي و يا ورود آسيب به سلامت جسمي، رواني، اجتماعي، اخلاقي، امنيت و يا آموزش او را فراهم آورد.

**ماده 2-** تمام افرادي كه به سن هجده سال تمام شمسي نرسيده‏اند، مشمول اين قانون مي‏باشند.

**ماده 3-** موارد زير با رعايت بند (د) ماده (1) وضعيت‏ مخاطره‏آميز براي كودك و نوجوان محسوب مي‏شود:

الف - بي‏سرپرستي كودك و نوجوان و يا تقصير در انجام وظايف قانوني از سوي هر شخصي كه وظيفه‏اي قانوني نسبت به كودك بر عهده دارد؛

ب- ابتلاء هر يك از والدين، اولياء يا سرپرستان قانوني به بيماري يا اختلالات رفتاري، رواني و شخصيتي و يا بيماري‏هاي جسمي واگير صعب‏العلاج به تشخيص پزشكي قانوني؛

پ - زنداني شدن هر يك از والدين، اولياء يا سرپرستان قانوني و يا ابتلاء هر يك از آنان به اعتيادهاي زيان‏آور از قبيل مواد مخدر، روانگردان و قمار؛

ت - قوادي و يا داير يا اداره كردن مراكز فساد و فحشا توسط هر يك از والدين،اولياءيا سرپرستان قانوني و يا اشتهار آنها به فساد اخلاق و فحشا؛

ث - خشونت مستمر والدين، اولياء، سرپرستان قانوني و يا ساير اعضاء خانواده نسبت به يكديگر؛

ج - عدم اقدام براي ثبت واقعه ولادت و أخذ شناسنامه براي كودك و نوجوان بدون عذر موجه؛

چ - محروم كردن كودك و نوجوان از تحصيل؛

ح - طرد شدن كودك و نوجوان از سوي والدين و نيز متاركه آنان كه منجر به طرد شدن آنان مي‏شود؛

خ- ناتواني جسمي يا ذهني كودك و نوجوان، ابتلاء وي به بيماريهاي خاص يا اختلال هويت جنسي؛

د- بزهكاري، وارد شدن يا وارد كردن كودك و نوجوان در فعاليت‏هاي مجرمانه نظير تكدي‏گري و قاچاق و همچنين اعتياد آنان به مواد مخدر، روانگردان يا مشروبات الكلي؛

ذ - فرار مكرر از خانه يا مدرسه و ترك تحصيل از سوي كودك و نوجوان؛

ر- سوءرفتار نسبت به كودك و نوجوان و يا بهره‏كشي از او.

**فصل دوم - تشكيلات**

**ماده 4-** دفتر حمايت از كودكان و نوجوانان قوه قضائيه به منظور ايجاد زمينه‏هاي همكاري با ساير نهادها، تهيه گزارشهاي موردي يا ادواري، انجام مطالعات و تحقيقات آماري و اطلاعاتي، پايش و ارزشيابي فعاليتهاي دفاتر استاني و شهرستاني در خصوص اجراي اين قانون در قوه‌قضائيه تشكيل مي‏شود. واحدي از اين دفتر در حوزه قضائي هر استان و تحت نظر رئيس كل آن حوزه تشكيل و مستقر مي‏شود.

**ماده 5-** با تشخيص رئيس قوه قضائيه در حوزه‏هاي قضائي شهرستان تحت نظر دادستان ساختار و تشكيلات مناسب جهت ايجاد زمينه‏هاي همكاري با ساير نهادها و اجراي وظايف زير تشكيل مي‏شود:

الف- مداخله فوري قضائي به منظور پيشگيري از بزه‏ديدگي كودكان و نوجوانان در معرض خطر شديد و قريب‏الوقوع و يا جلوگيري از ورود آسيب بيشتر به آنان؛

ب- ارائه مشاوره و معاضدت‏هاي حقوقي و تشكيل پرونده شخصيت براي كودكان و نوجوانان در معرض خطر يا بزه‏ديده؛

پ- ايجاد شرايط مناسب در خانواده براي كودكان و نوجوانان در معرض خطر يا بزه‏ديده و يا معرفي آنان به بهزيستي و يا ساير نهادهاي مربوط؛

ت- تهيه و ارائه گزارش از وضعيت كودك و نوجوان موضوع اين قانون و درخواست اتخاذ اقدامات حمايتي- قضائي از مراجع قضائي صالح؛

ث- نظارت بر حسن اجراي آراء و تصميمات مرتبط با كودك و نوجوان و يا اجراي آراء و تصميمات در صورت ارجاع مقام قضائي و پيگيري و پايش وضعيت وي پس از اجراي رأي يا تصميم و ارزشيابي اقدامات به عمل آمده.

**تبصره -** در هر حوزه قضائي شهرستان مادام كه تشكيلات موضوع اين ماده ايجاد نشده است، وظايف مقرر، تحت نظارت دادستان و توسط داديار آموزش‏ديده در حوزه كودكان و نوجوانان و در حوزه قضائي بخش‏ها با نظارت رئيس حوزه قضائي انجام مي‏شود.

**ماده 6-** دستگاهها و نهادهاي مرتبط با كودكان و نوجوانان موضوع اين قانون عهده‏دار وظايف زير مي‏باشند:

الف- سازمان بهزيستي كشور

1- موظف است با استفاده از مددكاران اجتماعي در قالب تيمهاي تخصصي سيار اورژانس اجتماعي و يا مستقر در مناطق و محلات شهرها و روستاها، نسبت به شناسايي، پذيرش و توانمندسازي كودكان و نوجوانان در وضعيت مخاطره‏آميز و يا بزه‏ديده و اعلام مراتب مورد نياز به دادگستري و جمع‏آوري و ثبت آمار و اطلاعات مربوط اقدام نمايد.

2- مي‏تواند در راستاي وظايف قانوني و وظايف مقرر در اين قانون از همكاري و مشاركت تمامي دستگاههاي اجرايي موضوع ماده (5) قانون مديريت خدمات كشوري مصوب 8/7/1386استفاده كند. دستگاههاي اجرائي مكلفند در چهارچوب قوانين خود با سازمان مذكور همكاري كنند.

ب- نيروي انتظامي جمهوري اسلامي ايران مكلف است:

1- نسبت به شناسايي كودكان و نوجوانان در وضعيت مخاطره‏آميز در موارد مراجعه يا معرفي آنان به نيروي انتظامي يا مواجه شدن با آنان در حين اجراي وظيفه و يا شكايت از آنان، حسب مورد براي معرفي موارد به سازمان بهزيستي كشور يا مراجع قضائي، برقراري امنيت آنان در مراحل اجرائي و انجام حمايت‏هاي مورد نياز بر اساس قوانين مربوط و اين قانون اقدام كند.

2- در تمامي مأموريت‏هاي مددكاران اجتماعي در اجراي اين قانون، حسب تقاضا جهت تأمين امنيت آنان و نيز كودكان و نوجوانان موضوع مأموريت، اقدامات قانوني لازم را به عمل آورد.

3- در موضوع أخذ و جمع‏آوري اطلاعات مربوط به وضعيت‏هاي مخاطره‏آميز براي كودكان و نوجوانان و گزارش‏دهي جرائم عليه آنان و نيز براي افزايش آگاهي‏هاي مردم در اين زمينه با سازمان بهزيستي كشور همكاري نمايد.

ج- سازمان زندانها و اقدامات تأميني و تربيتي كشور مكلف است:

1- ضمن همكاري با سازمان بهزيستي كشور، كودكان و نوجواناني را كه پدر يا مادر يا سرپرست قانوني آنان در زندان به سر مي‏ برند در صورت درخواست والدين يا سرپرست قانوني به سازمان يادشده معرفي نمايد تا برابر مقررات اين قانون كودك يا نوجوان نيازمند را حمايت كند.

2- ضمن معرفي كودكان و نوجواناني كه در كانون‏هاي اصلاح و تربيت نگهداري مي‏شوند به سازمان بهزيستي كشور، نسبت به تشخيص آسيب، اقدمات حمايتي اوليه و مراقبت پس از خروج ايشان توسط تيم تخصصي اقدام كند و سپس در صورت نياز آنان را براي دريافت خدمات توانمندسازي تكميلي به سازمان بهزيستي كشور معرفي نمايد.

د- وزارت آموزش و پرورش، وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشكي و وزارت تعاون، كار و رفاه اجتماعي، چنانچه در اجراي وظايف قانوني خود با كودكان و نوجوانان موضوع اين قانون مواجه شوند، مراتب را به سازمان بهزيستي كشور اعلام و تكاليف مقرر در اين قانون را انجام مي‏دهند.

تبصره - آيين‏نامه اجرائي اين ماده ظرف سه ماه از تاريخ لازم‏الاجراءشدن اين قانون توسط وزارت تعاون، كار و رفاه اجتماعي و با همكاري ساير دستگاههاي مرتبط تهيه و به تصويب هيأت وزيران خواهد رسيد.

**فصل سوم - جرائم و مجازاتها**

**ماده 7-** هر يك از والدين، اولياء يا سرپرستان قانوني كودك و نوجوان و تمام اشخاصي كه مسؤوليت نگهداري، مراقبت و تربيت كودك را بر عهده دارند، برخلاف مقررات قانون تأمين وسايل و امكانات تحصيل اطفال و جوانان ايراني - مصوب 1353- از ثبت نام و فراهم كردن موجبات تحصيل كودك و نوجوان واجد شرايط تحصيل تا پايان دوره متوسطه امتناع كنند يا به هر نحوي از تحصيل او جلوگيري كنند، به انجام تكليف يادشده و ده تا پنجاه ميليون ريال جزاي نقدي محكوم مي‏شود.

تبصره -هرگاه محكوم عليه پس از ابلاغ حكم قطعي از انجام تكليف مقرر در مهلت تعيين شده از طرف دادگاه خودداري كند يا پس از اجراي حكم دوباره كودك و نوجوان را از تحصيل بازدارد، به نود و يك روز تا يك سال حبس محكوم مي‏شود.

**ماده 8-** تهديد، ترغيب، تشويق يا فريب كودك و نوجوان به فرار از خانه يا مدرسه و يا ترك تحصيل و يا تسهيل يا فراهم كردن موجبات اين اعمال جرم محسوب و مرتكب به حبس از نود و يك روز تا يك سال يا پرداخت جزاي نقدي از ده تا پنجاه ميليون ريال محكوم مي‌شود.

**ماده 9-** هرگاه بي احتياطي، بي مبالاتي، عدم مهارت يا عدم رعايت نظامات از سوي والدين، اوليا يا سرپرستان قانوني كودك و نوجوان يا اشخاصي كه مراقبت از كودك و نوجوان را بر عهده دارند و يا در امور مربوط به كودكان و نوجوانان فعاليت مي نمايند، منتهي به نتايج زير شود، مرتكب علاوه بر پرداخت ديه طبق مقررات، حسب مورد به شرح زير مجازات مي‌شود:

الف - فوت، دو تا پنج سال حبس؛

ب - فقدان يكي از حواس يا منافع، قطع، نقص يا از كارافتادگي عضو، زوال عقل يا بروز بيماري صعب العلاج يا دائمي جسمي يا رواني و يا ايراد جراحت از نوع جائفه يا بالاتر، يك تا سه سال حبس؛

پ - نقصان يكي از حواس يا منافع، شكستگي استخوان يا ديگر اعضاء و يا بروز بيماري رواني، شش ماه تا يك سال حبس؛

ت- جراحت سر و صورت و يا گردن در صورت عدم شمول هر يك از بندهاي (ب) و (پ)، سه ماه و يك روز تا شش ماه حبس؛

ث - ساير صدمات، پنج تا پنجاه ميليون ريال جزاي نقدي.

**ماده 10-** هر كس با كودك و نوجوان مرتكب عمل منافي عفت شود، در صورتي كه مشمول مجازات حد نباشد، به يك تا سه سال حبس محكوم مي‏شود. هرگاه رفتار مرتكب منتهي به صدمه جسمي يا رواني به كودك و نوجوان شود، علاوه بر پرداخت ديه به دو تا پنج سال حبس محكوم مي‏شود.

**ماده 11-** هر كس موضوعات و مضامين مستهجن يا مبتذل را به كودكان و نوجوانان ارائه يا در دسترس آنها قرار دهد، به حبس از نود و يك روز تا يك سال يا جزاي نقدي از يك تا ده ميليون ريال محكوم خواهد شد.

**ماده 12-** معامله يا خريد و فروش كودك و نوجوان و يا بهره كشي از او با هر منظوري جرم محسوب و مرتكب به دو تا پنج سال حبس محكوم خواهد شد. هر گاه خريد و فروش با هدف فحشا و هرزه نگاري باشد، مرتكب به حداكثر مجازات محكوم مي‌شود.

تبصره -معاون در جرم موضوع اين ماده به حداقل مجازات مقرر محكوم مي‏شود**.**

**ماده 13-** خريد و فروش، قاچاق و يا انتقال اعضاء و جوارح كودك و نوجوان جرم محسوب و در صورت عدم شمول مقررات قصاص، مرتكب به دو تا ده سال حبس محكوم مي‏شود.

تبصره 1- انتقال اعضاء و جوارح به بيماران نيازمند طبق قانون پيوند اعضاء بيماران فوت‌شده يا بيماراني كه مرگ مغزي آنان مسلم است - مصوب 1379- از شمول اين ماده مستثني است.

تبصره 2- هرگاه پزشكان يا ساير افرادي كه حرفه آنها مرتبط با امور پزشكي است در ارتكاب جرم موضوع اين ماده شركت يا معاونت داشته باشند، علاوه بر مجازات مذكور، به لغو پروانه فعاليت و يا محروميت از دريافت پروانه از سه تا ده سال محكوم مي‌شوند.

**ماده 14-** هرگاه فردي با اكراه يا اجبار يا تحريك، ترغيب، تشويق، فريب يا آموزش شيوه، موجبات ارتكاب به خودكشي كودك و نوجوان را فراهم آورد يا تسهيل كند و مشمول مقررات قصاص نشود، علاوه بر پرداخت ديه طبق مقررات، حسب مورد به ترتيب زير مجازات مي‌شود:

الف- هرگاه اقدامات مرتكب موجب خودكشي منجر به فوت كودك و نوجوان شود، دو تا پنج سال حبس؛

ب- هرگاه اقدامات مرتكب موجب خودكشي منجر به ورود آسيب جسمي يا رواني به كودك و نوجوان شود، يك تا سه سال حبس؛

پ - هر گاه اقدامات مرتكب مؤثر واقع نشود، جزاي نقدي از يك تا ده ميليون ريال.

**ماده 15-** هركس با كودك يا نوجواني بدون رعايت شرايط مذكور در مواد (1041) و يا (1043) قانون مدني ازدواج نمايد، به شش ماه تا دو سال حبس محكوم مي‌شود. هرگاه بر اثر اين ازدواج صدمه رواني يا جسمي به كودك و نوجوان وارد شود، مرتكب علاوه بر پرداخت ديه به حداكثر مجازات پيش بيني شده محكوم خواهد شد.

تبصره - هرگاه خواستگار، عاقد، والدين، اولياء، سرپرستان قانوني يا افرادي كه مسؤوليت نگهداري، مراقبت يا تربيت كودك و نوجوان را برعهده دارند در ارتكاب جرم موضوع اين ماده نقش عمده و يا تأثير مستقيم داشته باشند، به مجازات مقرر براي مباشر اين جرم محكوم مي‌شوند.

**ماده 16-** هر كس از وقوع جرم عليه كودك و نوجوان مطلع شود و با وجود آنكه خطري متوجه خود او يا ديگران نشود، مراتب را به مراجع صالح اعلام نكند، به پرداخت جزاي نقدي از پنج تا پانزده ميليون ريال محكوم مي‌شود.

تبصره -هرگاه فردي كه حسب وظيفه مطابق قوانين و مقررات مكلف به اعلام گزارش از وجود اوضاع و احوال مخاطره‌آميز و يا وقوع جرم عليه كودك و نوجوان يا كمك به چنين كودك يا نوجواني مي‏باشد و يا به اقتضاء حرفه خود مي‏تواند كمك مؤثري در اين زمينه كند، با وجود آنكه خطري متوجه خود او يا ديگران نشود، مراتب را به مراجع صالح اعلام نكند، به يك‌سال حبس و يا پرداخت پانزده ميليون ريال جزاي نقدي و حسب مورد به انفصال موقت از خدمات دولتي يا محروميت از خدمات عمومي از شش‌ماه تا دوسال محكوم مي‌شود.

**ماده 17-** افشاء مشخصات و هويت كودك و نوجوان بزه‏ديده يا در معرض خطر در غير از موارد قانوني يا تصميمات قضائي، از طريق رسانه‏هاي گروهي و يا توزيع، تكثير، انتشار و نمايش فيلم يا عكس و مانند آن از او جرم محسوب و مرتكب به نود و يك روز تا شش‌ماه حبس و يا پرداخت جزاي نقدي از ده تا صد ميليون ريال محكوم مي‌شود.

**ماده 18-** به‌كارگيري يا استفاده از كودك و نوجوان در ارتكاب جرم و يا تسهيل، فراهم كردن موجبات ارتكاب، آموزش دادن شيوه ارتكاب جرم، تحريك، ترغيب، تشويق يا فريب آنان به ارتكاب رفتار مجرمانه كه منجر به وقوع جرم شود، جرم محسوب و مرتكب به شرح زير مجازات مي‌شود:

الف - هر گاه رفتار مجرمانه مستوجب كيفر تعزيري يا بازدارنده باشد، مجازات مرتكب، همان مجازات مقرر براي مرتكب اصلي است.

ب - هرگاه رفتار مجرمانه مستوجب كيفر حد غيرسالب حيات يا قصاص عضو و جرح باشد، مجازات مرتكب يك تا سه سال حبس است.

پ - هرگاه رفتار مجرمانه مستوجب قصاص نفس، حبس ابد يا سلب حيات باشد، مجازات مرتكب دو تا پنج‌سال حبس است.

تبصره 1- در صورتي كه اعمال موضوع اين ماده منجر به وقوع جرم نشود، مرتكب به حداقل مجازات همان جرم محكوم و چنانچه جرم مورد نظر فاقد حداقل مجازات باشد، به يك‌سوم مجازات همان جرم محكوم مي‏شود.

تبصره 2- چنانچه براي اعمال موضوع اين ماده در ساير قوانين مجازات خاصي تعيين شده باشد، مرتكب به همان مجازات محكوم مي‏شود.

**ماده 19-** هرگاه كاركنان دستگاههاي اجرائي و يا سازمان‏ها و نهادهاي عمومي غيردولتي كه مسؤوليت نگهداري، مراقبت و يا تربيت كودكان و نوجوان را بر عهده دارند يا در امور مربوط به آنان فعاليت مي‏كنند به هرنحو در ارتكاب جرائم عمدي موضوع اين قانون دخالت داشته باشند، با توجه به نقش مرتكب علاوه بر مجازات اصلي، به انفصال موقت از خدمات دولتي يا محروميت از خدمات عمومي به مدت دو تا پنج‌سال نيز محكوم خواهند شد.

**ماده 20-** هرگاه مؤسسات، شركتها، انجمنها و يا مجامع سياسي، اقتصادي، اجتماعي، مذهبي يا صنفي كه به صورت مستقل از دولت اداره مي‏شوند، در زمينه جرائم عمدي موضوع اين قانون شركت يا معاونت داشته باشند، علاوه بر مجازات مقرر حسب مورد پروانه فعاليت يا مجوز آنها از يك تا پنج‌سال و يا به‌طور دائم ابطال و يا به پرداخت جزاي نقدي از يكصد ميليون‌ريال تا يك‌ميلياردريال محكوم مي‏شوند. همچنين علاوه بر شخص حقوقي، هر يك از مديران يا مسؤولان اشخاص حقوقي مذكور كه دستوردهنده باشد، به مجازاتهاي مقرر در اين قانون محكوم مي‌شود.

تبصره - چنانچه ارتكاب جرم منتسب به شعبه‌اي از نهادهاي مذكور باشد، مجازات ابطال پروانه يا لغو مجوز موضوع اين ماده، نسبت به شعبه مذكور اعمال خواهد شد.

**ماده 21-** در موارد زير مرتكب جرم به حداكثر مجازات مقرر قانوني محكوم خواهد شد:

الف - مرتكب جرائم موضوع اين قانون جز مواد (7)، (8) و (9) از اشخاصي باشد كه سمت ولايت، وصايت، قيمومت يا سرپرستي دارد يا به هر نحو مراقبت و نگهداري از كودك و نوجوان برعهده او مي‌باشد.

ب - بزه‏ديده جرائم موضوع اين قانون جز مواد (7) و (9) داراي كمتر از دوازده سال سن و يا ناتواني ذهني يا جسمي باشد.

پ- جرائم موضوع اين قانون به صورت سازمان‌يافته توسط باند يا شبكه‏اي متشكل از سه نفر يا بيشتر كه با هدف ارتكاب جرم تشكيل شده و فعاليت مي‏نمايد، انجام شود.

**ماده 22-** اموال و اشياء اختصاص‌يافته يا استفاده‌شده براي ارتكاب جرائم موضوع اين قانون و نيز عوايد حاصل از ارتكاب آنها، در صورت موجود بودن مصادره و در غيراين‌صورت مرتكب علاوه‌بر مجازاتهاي مقرر، به پرداخت جزاي نقدي معادل بهاي كارشناسي اموال يادشده در هنگام وقوع جرم محكوم مي‏شود.

تبصره 1- هرگاه جرم توسط دو يا چند نفر ارتكاب يافته باشد، جزاي نقدي موضوع اين ماده از تمام آنها و به نحو تضامني وصول مي‏شود.

تبصره 2- هرگاه اموال و اشياء موضوع اين ماده متعلق به غير بوده و مالك آنها براي ارتكاب جرم در اختيار مرتكب قرار داده باشد، معاون جرم محسوب و علاوه بر مجازات مقرر قانوني، اموال مذكور به عنوان تعزير مصادره مي‏شود و در غير اين‌صورت مرتكب علاوه بر مجازات مقرر به پرداخت جزاي نقدي معادل بهاي كارشناسي آن مال در هنگام وقوع جرم محكوم خواهد شد.

**ماده 23-** اعمال مجازاتهاي موضوع اين قانون، مانع از اجراي مجازاتهاي حدود، قصاص و ديات نخواهد بود و در صورتي كه در ساير قوانين براي مرتكب جرم موضوع اين قانون مجازات شديدتري مقرر شده باشد، مرتكب به همان مجازات محكوم مي‏شود.

**فصل چهارم – تحقيق، رسيدگي و تدابير حمايتي**

**ماده 24-** رئيس قوه قضائيه به پيشنهاد رئيس كل دادگستري استان و به‌تناسب امكانات، ضرورت و تجربه، تبحر و سابقه قضات در هر حوزه قضائي شعبي از دادسرا، دادگاه كيفري و دادگاه خانواده را جهت رسيدگي به جرائم و دعاوي موضوع اين قانون اختصاص خواهد داد. اختصاص اين شعب مانع رسيدگي به ساير پرونده‏ها نيست.

تبصره - حتي‏المقدور يكي از مستشاران دادگاههاي موضوع اين ماده، از بانوان دارنده پايه قضائي مي‏باشد.

**ماده 25-** رسيدگي به وضعيت مخاطره‌آميز موضوع اين قانون جز در مواردي كه در صلاحيت دادگاه كيفري است، در شعب دادگاه خانواده و با ارائه گزارش مددكار اجتماعي بهزيستي يا واحد حمايت دادگستري و حضور مددكار اجتماعي انجام مي‏شود. اين امر مانع از انجام تحقيقات دادگاه نخواهد بود.

**ماده 26-** علاوه بر جهات قانوني براي شروع به تعقيب مندرج در قانون آيين دادرسي كيفري و همچنين درخواست نهادهاي حمايتي ذي‏ربط، موارد زير نيز از جهات قانوني براي شروع به تعقيب يا اتخاذ تدابير حمايتي مقرر در اين قانون مي‏باشند:

الف- تقاضاي كودك و نوجوان، در صورتي كه داراي قرائن معقول و متعارف باشد؛

ب- گزارشها و درخواستهاي مكتوب يا شفاهي كه هويت گزارش‌دهندگان و نويسندگان آنها مشخص نيست، در صورتي كه داراي قرائن معقول و متعارف باشند.

**ماده 27-** تمام جرائم موضوع اين قانون جنبه عمومي داشته و بدون شكايت شاكي خصوصي قابل تعقيب مي‏باشد و در صورت گذشت شاكي خصوصي به تشخيص مقام قضائي صلاحيتدار تعقيب موقوف مي‏شود.

**ماده 28-** مددكاران اجتماعي بهزيستي پس از كسب اطلاع از وضعيت مخاطره‌آميز موضوع ماده(3) اين قانون، حسب مورد تحقيقات و اقدامات مقتضي را از طريق زير انجام مي‏دهند:

الف- دعوت والدين، اولياء، سرپرستان قانوني و يا ساير اشخاص مرتبط با كودك و نوجوان و در صورت لزوم دعوت از كودك و نوجوان به همراه آنان؛

ب- مددكاران اجتماعي بهزيستي مي‏توانند درخصوص تحقيق از نوجوان پانزده تا هيجده سال، به‌طور مستقيم و بدون حضور والدين، اولياء، سرپرستان قانوني و يا ساير اشخاص مرتبط با كودك و نوجوان اقدام كنند.

**ماده 29-** هرگاه خطر شديد و قريب‏الوقوعي كودك و نوجوان را تهديد كند يا به سبب وضعيت مخاطره‏آميز موضوع ماده (3) اين قانون، وقوع جرم محتمل باشد، مددكاران اجتماعي بهزيستي يا واحد حمايت دادگستري با همكاري ضابطان دادگستري مكلفند فوري و در حدود وظايف و اختيارات قانوني، تدابير و اقدامات لازم را در صورت امكان با مشاركت و همكاري والدين، اولياء و يا سرپرستان قانوني كودك و نوجوان جهت رفع خطر، كاهش آسيب و پيشگيري از وقوع جرم انجام داده و در موارد ضروري وي را از محيط خطر دوركرده و با تشخيص و زير نظر مددكار اجتماعي به مراكز بهزيستي و در صورت لزوم به ساير مراكز مربوط منتقل كنند و گزارش موضوع و اقدامات خود را ظرف دوازده ساعت به اطلاع دادستان برسانند.

**ماده 30-** مددكاران اجتماعي بهزيستي يا واحد حمايت دادگستري به‌منظور انجام تحقيقات و اقدامات موضوع اين قانون، حق ورود به محل زندگي و كار افراد را جز با اجازه متصرف قانوني و يا دستور مقام قضائي ندارند، مگر در صورت عدم دسترسي به قاضي در خصوص اقدامات حمايتي موضوع ماده(36) اين قانون كه در اين صورت بايد در گزارش تنظيمي موضوع اين ماده ادله ضرورت مداخله را نيز به روشني ذكر كنند.

**ماده 31-** هرگاه دادستان پس از ملاحظه گزارش موضوع ماده (29) يا از هرطريق ديگر اتخاذ تدابير حمايتي موضوع اين قانون را ضروري تشخيص دهد، با توجه به نوع و شدت خطر، كيفيت جرم و سوابق و وضعيت جسمي، رواني، اجتماعي و اخلاقي كودك و نوجوان و والدين، اولياء يا سرپرستان قانوني او، اقدام لازم را جهت رفع خطر انجام داده و در موارد ضروري پس از أخذ نظر مددكار اجتماعي بهزيستي و يا واحد حمايت دادگستري دستور موقت خروج كودك و نوجوان را از محيط خطر و انتقال او به مكاني مطمئن و امن مانند مراكز بهداشتي يا ساير مراكز مرتبط و يا سپردن نزد شخص مورد اطمينان صادر و مراتب را ظرف پانزده روز جهت اتخاذ تصميم مقتضي به دادگاه اعلام مي‏كند.

**ماده 32-** هرگاه حمايت و رعايت غبطه و مصلحت كودك و نوجوان در معرض خطر و بزه‏ديده، مستلزم اتخاذ تصميم در خصوص حضانت، ولايت، قيمومت، سرپرستي، ملاقات، عزل ولي قهري، سپردن به خانواده جايگزين يا مراكز بهزيستي و يا ساير نهادها و مؤسسات اجتماعي، تربيتي، درماني يا بازپروري، نگهداري در مكاني مطمئن و امن و يا سپردن موقت به شخص مورد اطمينان دادگاه باشد، دادستان گزارشي در مورد وضعيت كودك و نوجوان و ادله ضرورت اتخاذ اقدامات مذكور تهيه به دادگاه خانواده ارسال مي‏كند.

تبصره 1- مختومه شدن پرونده در دادسرا، مانع از اعمال وظيفه موضوع اين ماده توسط دادستان نمي‏باشد.

تبصره 2- هرگاه دادگاه، رأساً يا به درخواست دادستان، انجام هر يك از اقدامات موضوع اين ماده را فوري تشخيص دهد، پيش از ورود به ماهيت دعوي و بدون أخذ تأمين، دستور موقت صادر مي‏كند و اين دستور فوري اجراء مي‏شود.

**ماده 33-** مرجع قضائي جز در موارد ضرورت، كودك و نوجوان بزه‌ديده، در معرض خطر يا شاهد و مطلع را احضار نخواهد كرد.

**ماده 34-** مرجع قضائي مكلف است جهت جلوگيري از اعمال تهديد، انتقام‏جوئي و يا ورود آسيب جسمي يا رواني به كودك و نوجوان در معرض‌خطر، بزه‏ديده يا شاهد و مطلع، تدابير و اقدامات مقتضي از قبيل جلوگيري از افشاء اطلاعات پرونده و فراهم آوردن امكان مشاركت آنان بدون حضور فيزيكي در جريان رسيدگي، صدور دستور انتقال كودك و نوجوان به محل مطمئن و امن و يا تشديد قرار تأمين متهم را اتخاذ كند.

**ماده 35-** والدين، اولياء، سرپرست قانوني يا وكيل كودك و نوجوان و حسب مورد يك نفر نماينده مطلع از مددكاران اجتماعي بهزيستي يا واحد حمايت دادگستري حق حضور در جلسات دادرسي و ارائه دفاعيه و پيشنهادات حمايتي از كودك و نوجوان را دارند.

تبصره -دادگاه مي‏تواند از نماينده مطلع سازمان‏هاي مردم نهادي كه داراي مجوز فعاليت در زمينه حقوق كودكان و نوجوانان هستند، براي حضور در جلسه دعوت نمايد.

**ماده 36-** تمام مصاحبه‏ها و تحقيقات از كودكان و نوجوانان موضوع اين قانون توسط افراد آموزش‏ديده در اين زمينه و توأم با رفتاري احترام‌آميز در كمترين دفعات و كوتاهترين زمان ممكن و با در نظر گرفتن نيازهاي خاص آنها به عمل مي‏آيد.

**ماده 37**- انجام هرگونه تحقيقات مقدماتي درباره وضعيت جسمي، روحي و رواني كودك و نوجوان يا والدين، اولياء و يا سرپرستان قانوني او، وضع خانوادگي و محيط سكونت، اشتغال، تحصيل و ساير اماكن مرتبط با كودك و نوجوان با مرجع قضائي رسيدگي‌كننده مي‏باشد. مرجع قضائي مي‏تواند با در نظر گرفتن غبطه و مصلحت كودك و نوجوان، انجام اين امور را در هر مورد به مددكاران اجتماعي بهزيستي يا واحد حمايت دادگستري يا ضابطين دادگستري محول نمايد.

**ماده 38-** دادستان مي‏تواند در جرائم موضوع ماده(7) و بندهاي(د) و (هـ) ماده(9) اين قانون چنانچه شخص مرتكب از والدين كودك و نوجوان باشد و سابقه جرائم عمدي عليه كودك و نوجوان نداشته باشد، با رعايت غبطه كودك و نوجوان و در صورت لزوم با متناسب نمودن قرار تأمين صادر شده يا صدور قرار تأمين متناسب، تعقيب را معلق كند. دادگاه نيز مي تواند رأساً يا به تقاضاي دادستان با رعايت شرايط مذكور و احراز مجرميت، صدور حكم را به تعويق اندازد. تعليق تعقيب دعوي يا تعويق صدور حكم نبايد موجبات بزه‌ديدگي يا ورود آسيب بيشتر به كودك و نوجوان را فراهم سازد. مرجع قضائي ضمن قرار صادره ، اجراي يك يا چند مورد از دستورات زير را براي مرتكب مقرر مي‌كند:

الف - تكليف به انجام يا خودداري از انجام امر يا رفتاري خاص؛

ب - تكليف به گذراندن دوره‌هاي خاص آموزشي و فراگيري مهارتهاي مربوط به تربيت و مراقبت كودك و نوجوان و ارائه گواهي آن؛

پ - مراجعه به مراكز درماني، بازپروري يا توانبخشي براي درمان اعتياد، بيماري يا اختلالات رفتاري و رواني و يا جسمي؛

ت -خودداري از اشتغال به كار يا حرفه معين؛

ث - اقدام جهت درمان اعتياد، بيماري يا اختلالات رفتاري و رواني و يا جسمي كودك و نوجوان؛

ج - مراجعه به سازمانها و نهادهاي حمايتي دولتي و يا غيردولتي به‌منظور بهره‌مندي از خدمات و مساعدت هاي اجتماعي آنها؛

چ - معرفي خود در فواصل معين و براي مدت مشخص به شخص يا اشخاص معرفي شده از سوي مرجع قضائي؛

ح - جبران يا فراهم آوردن ترتيب جبران زيانهاي ناشي از جرم.

تبصره 1- مرجع قضائي جهت اجراي مفاد اين ماده نظرتخصصي مددكار اجتماعي بهزيستي يا واحد حمايت دادگستري را جلب و حسب مورد مدت تعليق تعقيب دعوا يا تعويق صدور رأي و مهلت اجراي دستورات مقرر را مشخص مي‏كند. در هر صورت مدت تعويق صدور رأي يا تعليق تعقيب بيشتر از يك‌سال نخواهد بود.

تبصره 2- هرگاه در مدت تعويق صدور رأي، مرتكب از اجراي دستور صادرشده خودداري كند، دادگاه رأساً يا به درخواست دادستان قرار تعويق صدور رأي را لغو و وفق مقررات رأي مقتضي صادر مي‌كند. همچنين هرگاه مرتكب در عدم انجام دستور عذر موجه داشته و يا مصلحت كودك و نوجوان اقتضاء كند، دادگاه مي‏تواند مدت تعويق را براي يك‌بار تمديد كند.

**ماده 39-** دادگاه رسيدگي‌كننده به جرائم موضوع اين قانون مي‏تواند ضمن صدور حكم محكوميت حسب مورد يك يا چند مورد از تصميمات زير را اتخاذ كند:

الف - معرفي كودك و نوجوان يا خانواده او به سازمانها و نهادهاي دولتي و غيردولتي مسؤول يا فعال در زمينه مساعدت به افراد و خانواده‌هاي بي‌بضاعت؛

ب - سلب حق (دائم يا موقت) ملاقات از والدين و سرپرست قانوني، حضانت، ولايت، قيمومت، وصايت و سرپرستي؛

پ - سپردن موقت يا دائم كودك و نوجوان به سازمان بهزيستي كشور يا مراكز مربوط؛

ت - سپردن سرپرستي كودك و نوجوان طبق مقررات مربوط به سرپرستي كودكان فاقد سرپرست.

**ماده 40-** مددكاران اجتماعي بهزيستي يا واحد حمايت دادگستري با ارجاع و نظارت مرجع قضائي و در صورت لزوم بهره‏گيري از خدمات ساير اشخاص و نهادهاي مربوط، نتايج اقدامات و دستورات صادر شده را به مرجع مذكور ارائه نموده و انجام صحيح و مناسب آن‏ها را پيگيري مي‏كنند.

**ماده41-** مددكاران اجتماعي بهزيستي يا واحد حمايت دادگستري مي‏توانند براي تقويت اثربخشي تصميمات قضائي در مورد نتايج اقدامات و دستورات صادر شده تحقيقات و پژوهش‏هاي علمي لازم انجام داده و نتايج و پيشنهادات را به مرجع قضائي مربوط گزارش نمايند.

 **ماده 42-** دادگاه صادركننده حكم مي‏تواند با در نظر گرفتن گزارش مددكاران اجتماعي بهزيستي يا واحد حمايت دادگستري و يا گزارشات مورد وثوق مبني بر ايجاد تغيير در وضعيت كودك و نوجوان، والدين، اولياء يا سرپرستان قانوني در تصميمات صادر شده در مورد سرپرستي، نگهداري، ملاقات كودك بازنگري و اتخاذ تصميم مجدد كند.

**ماده 43-** مبدأ مرور زمان قانوني در جرائم عليه كودكان و نوجوانان رسيدن آنان به سن هجده سال تمام شمسي است.

**ماده 44-** در تمام تدابير و اقدامات حمايتي موضوع اين قانون، اولويت با اقداماتي است كه منجر به خروج كودك و نوجوان از محيط خانواده يا قطع ارتباط با آنان نشود.

**ماده 45-** مراجع قضائي مكلفند در صورتي كه در جريان رسيدگي قضائي با كودك و نوجوان موضوع اين قانون مواجه شوند، وي را به واحد حمايت دادگستري يا دادستان محل معرفي كنند.

**ماده 46-** در مواردي كه كودك و نوجوان بزهكار، بزه‏ديده نيز باشد، دادسرا يا دادگاه رسيدگي به جرائم اطفال و نوجوانان، به جرائم ارتكابي عليه آنان نيز رسيدگي مي‏كند، در صورتي كه واحد مددكاري مرجع قضائي مذكور، كودك و نوجوان را در معرض خطر تشخيص دهد، مكلف به اعلام موضوع به قاضي مربوط مي‌باشد.

**ماده 47-** ساير ترتيبات رسيدگي به جرائم موضوع اين قانون مطابق مقررات عمومي خواهد بود.

**ماده 48-** آيين‏نامه‏ اجرائي اين قانون توسط وزارت دادگستري و با همكاري ساير دستگاهها تهيه و به تصويب هيأت وزيران خواهد رسيد.

**ماده 49-** از تاريخ لازم‌الاجراء شدن اين قانون، قانون حمايت از كودكان و نوجوانان- مصوب 1381- نسخ مي‏شود.

## وزير دادگستري رئيس‏جمهور

**وزير تعاون، كار و رفاه اجتماعي**

**هيأت‌رئيسه محترم مجلس شوراي اسلامي**

احتراماً، در اجراي آيين‌نامه داخلي مجلس شوراي اسلامي و ماده (4)
قانون تدوين‌وتنقيح قوانين‌ومقررات كشور مصوب 25/3/1389 نظر معاونت قوانين در مورد **لايحه حمايت از كودكان و نوجوانان** تقديم مي‌گردد.

**معاون قوانين**

**نظر اداره‌كل تدوين قوانين**

**معاون محترم قوانين**

**احتراماً در اجراي بندهاي (2) و (4) ماده (4) قانون تدوين و تنقيح قوانين و مقررات كشور مصوب 25/3/1389 نظر اين اداره‌كل به شرح زير تقديم مي‌گردد:**

**1- سابقه تقديم:**

**ماده 134 -** ■ قبلاً تقديم نگرديده است

**-** □ قبلاً در جلسه علني شماره مورخ تقديم و در تاريخ در □ مجلس/ □ كميسيون

(موضوع اصل 85 قانون اساسي) رد شده و اينك:

□ با تغيير اساسي

□ با تقاضاي كتبي 50 نفر از نمايندگان (مشروط به تصويب مجلس)

□ بدون تغيير اساسي

□ با تقاضاي كتبي كمتر از 50 نفر از نمايندگان

□ پيش از انقضاء شش ماه

□ با انقضاء شش ماه

□ مي‌باشد.

□ نمي‌باشد.

 مجدداً قابل پيشنهاد به مجلس

**2- در اجراي بند (2) ماده (4) قانون تدوين و تنقيح قوانين و مقررات كشور:**

■ رعايت شده‌است.

□ رعايت شده‌است. (با اعمال نظر كارشناسي)

□ رعايت نشده‌است، دلايل مغايرت به ضميمه تقديم مي‌شود.

در لايحه تقديمي آيين‌نگارش قانوني و ويرايش ادبي

**3- از نظر آيين‌نامه داخلي مجلس (شكلي):**

**الف- ماده 131-**

 **■دارد**

**□ ندارد**

اول**-** موضوع و عنوان مشخص

 **■دارد**

**□ ندارد**

دوم**-** دلايل لزوم تهيه و پيشنهاد در مقدمه

 **■دارد**

**□ ندارد**

سوم- موادي متناسب با اصل موضوع و عنوان

 **■دارد**

**□ ندارد**

**ب- ماده 136-** امضاء مقامات مسؤول را

■ نمي‌باشد.

□ مي‌باشد.

□ ماده واحده

■ مواد متعدد

□ يك‌موضوع ا

■ بيش‌از‌يك‌موضوع

**ج- ماده 142-** لايحه تقديمي داراي است و پيشنهاد آن به عنوان مواجه با ايراد

**4- در اجراي بند(4) ماده(4) قانون تدوين و تنقيح قوانين و مقررات كشور مصوب 25/3/1389:**

**اول: از نظر قانون اساسي؛**

**■ ندارد.**

**□ دارد. اصل/ اصول مغاير و دليل مغايرت به ضميمه تقديم مي‌گردد.**

 **لايحه تقديمي با قانون اساسي بطوركلي مغايرت**

**دوم: از نظر سياست‌هاي كلي نظام و سند چشم‌انداز؛**

**■ ندارد.**

**□ دارد، دليل مغايرت به ضميمه تقديم مي‌شود.**

 **لايحه تقديمي با سياست‌هاي كلي نظام و سند چشم‌انداز مغايرت**

**سوم: از نظر قانون برنامه؛**

**■ ندارد.**

**□ دارد، دليل مغايرت به ضميمه تقديم مي‌شود.**

 **لايحه تقديمي با قانون برنامه مغايرت**

**چهارم: از نظر آيين‌نامه داخلي مجلس (ماهوي)؛**

**□ ندارد.**

**□ دارد، دليل مغايرت به ضميمه تقديم مي‌شود.**

 **الف- لايحه تقديمي با قانون آيين‌نامه داخلي مجلس مغايرت**

**■ شده است.**

**□ نشده است، دليل مغايرت به ضميمه تقديم مي‌شود.**

 **ب- ماده 144- رعايت اصل هفتاد و پنجم قانون اساسي**

2

3

**■ ندارد.**

**□ دارد.**

**■ نمي‌شود**

**□ مي‌شود**

 **ج- ماده 185- موجب اصلاح يا تغيير برنامه مصوب و نياز به رأي نمايندگان**

 **تعداد** .......... **برگ اظهارنظر به ضميمه تقديم مي‌شود.**

**مديركل تدوين قوانين**

**\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_**

**□ ندارد.**

**□ دارد.**

**5- لايحه تقديمي از حيث پيشگيري از وقوع جرم با بند(5) اصل(156) قانون اساسي مغايرت**

**معاونت اجتماعي و پيشگيري از وقوع جرم قوه قضائيه**

**نظر اداره‌كل اسناد و تنقيح قوانين**

**معاون محترم قوانين**

احتراماً در اجراي بندهاي (1) و (3) ماده (4) قانون تدوين و تنقيح قوانين و مقررات كشور مصوب 25/3/1389 نظر اين اداره‌كل به شرح زير تقديم مي‌گردد:

1. **در اجراي بند (1):**

■ وجود ندارد

□ وجود دارد كه به شرح ضميمه تقديم مي‌شود.

**الف-** درخصوص لايحه تقديمي قوانين متعارض

□ وجود ندارد

■ وجود دارد كه به شرح ضميمه تقديم مي‌شود.

**ب-** درخصوص لايحه تقديمي قوانين مرتبط

1. **در اجراي بند (3):**

■ لازم است.

□ لازم نيست.

 با عنايت به بررسيهاي به عمل آمده قانونگذاري در اين موضوع

تعداد نه برگ سوابق قانوني و دلايل ضرورت قانونگذاري به ضميمه تقديم مي‌شود.

 **مديركل اسناد و تنقيح قوانين**

**ضميمه نظر اداره‌كل اسناد و تنقيح قوانين**

سوابق قانوني و دلايل ضرورت قانونگذاري

سوابق قانوني

|  |
| --- |
| قانون حمايت از كودكان و نوجوانان‌ماده 1 - كليه اشخاصي كه به سن هجده سال تمام هجري شمسي نرسيده‌اند از‌حمايت‌هاي قانوني مذكور در اين قانون بهره‌مند مي‌شوند.‌ماده 2 - هر نوع اذيت و آزار كودكان و نوجوانان كه موجب شود به آنان صدمه‌جسماني يا رواني و اخلاقي وارد شود و سلامت جسم يا روان آنان را به مخاطره اندازد‌ممنوع است.‌ماده 3 - هرگونه خريد، فروش، بهره‌كشي و به كارگيري كودكان به منظور ارتكاب‌اعمال خلاف ازقبيل قاچاق، ممنوع و مرتكب حسب مورد علاوه بر جبران خسارات وارده‌به شش ماه تا يك سال زندان و يا به جزاي نقدي از ده ميليون (000 000 10) ريال تا‌بيست ميليون (000 000 20) ريال محكوم خواهد شد.‌ماده 4 - هرگونه صدمه و اذيت و آزار و شكنجه جسمي و روحي كودكان و ناديده‌گرفتن عمدي سلامت و بهداشت رواني و جسمي و ممانعت از تحصيل آنان ممنوع و‌مرتكب به سه ماه و يك روز تا شش ماه حبس و يا تا ده ميليون (000 000 10) ريال جزاي‌نقدي محكوم مي‌گردد.‌ماده 5 - كودك‌آزاري از جرائم عمومي بوده و احتياج به شكايت شاكي خصوصي‌ندارد.‌ماده 6 - كليه افراد و مؤسسات و مراكزي كه به نحوي مسؤوليت نگاهداري و‌سرپرستي كودكان را بر عهده دارند مكلفند به محض مشاهده موارد كودك آزاري مراتب را‌جهت پيگرد قانوني مرتكب و اتخاذ تصميم مقتضي به مقامات صالح قضائي اعلام نمايند‌تخلف از اين تكليف موجب حبس تا شش ماه يا جزاي نقدي تا پنج ميليون (000 000 5)‌ريال خواهد بود.‌ماده 7 - اقدامات تربيتي در چارچوب ماده (59) قانون مجازات اسلامي مصوب1370.9.7 و ماده (1179) قانون مدني مصوب 1314.1.19 از شمول اين قانون مستثني‌است.‌ماده 8 - اگر جرائم موضوع اين قانون مشمول عناوين ديگر قانوني شود يا در قوانين‌ديگر حد يا مجازات سنگين‌تري براي آنها مقرر شده باشد، حسب مورد حد شرعي يا‌مجازات اشد اعمال خواهد شد.‌ماده 9 - از تاريخ تصويب اين قانون كليه مقررات مغاير با آن ملغي‌الاثر مي‌گردد.‌قانون فوق مشتمل بر نه ماده در جلسه علني روز دوشنبه مورخ بيست و پنجم آذر ماه‌يكهزار و سيصد و هشتاد و يك مجلس شوراي اسلامي تصويب و در تاريخ 1381.10.11 به‌تأييد شوراي نگهبان رسيده است.قانون تأمين زنان و كودكان بي‌سرپرستقانون الحاق دولت جمهوري اسلامي ايران به پروتكل اختياري كنوانسيون حقوق كودك درخصوص فروش‌، فحشاء و هرزه‌نگاري كودكان (مصوب 4/3/1379 برابر با 25 مه 2000 مجمع عمومي سازمان ملل متحد)قانون اجازه الحاق دولت جمهوري اسلامي ايران به كنوانسيون حقوق كودكقانون تصويب كنوانسيون ممنوعيت و اقدام فوري براي محو بدترين اشكال كار كودك و توصيه‌نامه مكمل آنقانون مديريت خدمات كشوري مصوب 8/7/1386ماده 5- دستگاه اجرائي : كليه وزارتخانهها، مؤسسات دولتي ، مؤسسات يا نهادهاي عمومي غيردولتي ، شركتهاي دولتي و كليه دستگاههايي كه شمول قانون بر آنها مستلزم ذكر و يا تصريح نام است از قبيل شركت ملي نفت ايران ، سازمان گسترش و نوسازي صنايع ايران،بانك مركزي، بانكها و بيمههاي دولتي، دستگاه اجرائي ناميده ميشوند.‌قانون تأمين وسائل و امكانات تحصيل اطفال و جوانان ايراني ‌مصوب 1353.4.30‌ماده 1 - كليه اطفال و جوانان ايراني كه واجد شرايط تحصيل مي‌باشند بايد بدون هيچ گونه مانعي به تحصيل بپردازند و هيچ كس نمي‌تواند آنان را از‌تحصيل باز دارد، جز با مجوز قانوني.‌ماده 2 - در هر محل كه بر اساس قانون آموزش و پرورش عمومي اجباري و مجاني مصوب 1322.5.6 و اصلاحي آن مصوب 29 خرداد ماه 1350‌موجبات تحصيل مراحل تعليمات ابتدايي و راهنمايي كه اجباري و مجاني است فراهم و اعلام شده باشد پدر و يا مادر يا سرپرست قانوني كودك كه‌وظيفه نگهداري و تربيت كودك بر عهده او مي‌باشد موظف است نسبت به ثبت نام و فراهم كردن موجبات تحصيل كودك تحت سرپرستي خود اقدام‌كند و در صورتي كه از انجام اين وظيفه خودداري نمايد وزارت آموزش و پرورش نسبت به ثبت اسامي كودكان مندرج در آمار ارسالي اداره كل ثبت‌احوال موضوع تبصره ماده 5 قانون آموزش و پرورش عمومي اجباري و مجاني و همچنين نسبت به ثبت نام كودك واجد شرايط تحصيل در مراحل اول‌و دوم موضوع ماده 2 قانون اصلاح قانون مذكور اقدام خواهد نمود.‌ماده 3 - پدر يا مادر يا سرپرست قانوني نوجوان كمتر از هيجده سال مكلف است به ثبت نام نوجواني كه دوره راهنمايي را طي نموده و طبق‌ضوابط وزارت آموزش و پرورش براي تحصيلات بالاتر مستعد شناخته مي‌شود اقدام نمايد و وسائل ادامه تحصيل او را فراهم كند و در صورت عدم‌تمكن مالي، دولت مكلف است امكانات لازم را براي ادامه تحصيل اين قبيل نوجوانان با رعايت ماده 6 اين قانون فراهم نمايد. مرجع و ضوابط‌تشخيص عدم تمكن مالي پدر يا مادر يا سرپرست در آيين‌نامه‌اي كه توسط وزارت آموزش و پرورش تهيه و به تصويب هيأت وزيران خواهد رسيد تعيين‌مي‌شود.‌ماده 4 - هر يك از پدر يا مادر يا سرپرست قانوني كودك و نوجوان كمتر از هيجده سال كه قانوناً مسئول پرداخت مخارج زندگي او مي‌باشد و با‌داشتن امكانات مالي از تهيه وسائل و موجبات تحصيل كودك يا نوجوان واجد شرايط تحصيل مشمول اين قانون در محلي كه موجبات تحصيل‌دوره‌هاي مربوط از طرف وزارت آموزش و پرورش فراهم شده باشد امتناع كند يا به نحوي از انحاء از تحصيل او جلوگيري نمايد به حكم مراجع قضايي‌كه خارج از نوبت رسيدگي مي‌كنند به جزاي نقدي از ده هزار ريال تا دويست هزار ريال و به انجام تكاليف فوق نسبت به كودك يا نوجوان محكوم‌خواهد شد.‌هر گاه پس از ابلاغ حكم پدر يا مادر يا سرپرست به تكليف مقرر در حكم دادگاه اقدام ننمايد يا پس از اجراي حكم مجدداً كودك يا نوجوان را از تحصيل‌باز دارد به حبس جنحه‌اي از يك تا سه سال و تأمين هزينه معاش و تحصيل كودك يا نوجوان خود محكوم خواهد شد.‌تبصره - وجوه حاصل از جزاي نقدي موضوع اين ماده در اختيار شوراي آموزش و پرورش منطقه‌اي مربوط قرار مي‌گيرد تا جهت تكميل كتابخانه‌مدارس همان منطقه به مصرف برسد.‌ماده 5 - تحصيلات حرفه‌اي تا پايان دوره متوسط مجاني است.‌ماده 6 - تحصيلات دوره متوسط غير حرفه‌اي براي كساني كه مي‌خواهند در دستگاه‌هاي دولتي خدمت كنند مجاني خواهد بود مشروط بر اين كه‌اين افراد حداقل به مدت سنوات تحصيل براي دولت خدمت كنند ضوابط مربوط به خدمت در دستگاه‌هاي دولتي و نحوه اجراي اين ماده طبق‌آيين‌نامه‌اي خواهد بود كه به پيشنهاد وزارت آموزش و پرورش به تصويب هيأت وزيران خواهد رسيد.‌ماده 7 - دانشجويان و هنرجوياني كه بخواهند از تحصيلات مجاني استفاده كنند مكلفند معادل دو برابر مدتي كه از تحصيل مجاني استفاده كرده‌اند‌در صورت نياز دولت در رشته متناسب تحصيلات خود در دستگاه‌هاي دولتي و يا به معرفي دولت در بخش خصوصي در كشور خدمت كنند.‌در صورت استنكاف از انجام تمام و يا قسمتي از خدمات مذكور بايد هزينه تحصيلات مجاني را به تناسب مدتي كه خدمت نكرده‌اند به دولت بپردازند.‌ماده 8 - ساير افرادي كه خارج از ضوابط ماده 7 اين قانون تحصيلات عالي مي‌نمايند مكلفند پس از انجام يا قطع تحصيل به منظور اداي دين خود به‌ميهن به تناسب مدت تحصيلات عالي خود در رشته‌هاي مورد نياز كشور خدمت كنند و در صورت استنكاف از انجام تمام يا قسمتي از خدمات مذكور‌بايد مخارجي را كه دولت براي تحصيلات عالي آنان متحمل شده است بپردازند.‌آيين‌نامه‌هاي مربوط به نحوه خروج از كشور افراد مذكور در اين قانون و نحوه احتساب مخارج تحصيلات عالي آنان و نحوه اشتغال اين قبيل محصلين‌از طرف وزارت علوم و آموزش عالي تهيه و پس از تصويب كميسيونهاي مربوط مجلسين قابل اجراء مي‌باشد.‌ماده 9 - محصليني كه با استفاده از كمك‌هزينه تحصيلي و يا مقرري نيروهاي مسلح شاهنشاهي به منظور خدمت در ارتش شاهنشاهي، ژاندارمري‌كشور و شهرباني كشور تحصيل مي‌نمايند از شمول مقررات اين قانون مستثني بوده و در هر مورد تابع مقررات سازمان متبوع خواهند بود.‌قانون فوق مشتمل بر نه ماده و يك تبصره پس از تصويب مجلس سنا در جلسه فوق‌العاده روز دوشنبه 1353.4.17، در جلسه روز يكشنبه سي‌ام‌تير ماه يك هزار و سيصد و پنجاه و سه شمسي به تصويب مجلس شوراي ملي رسيد.‌قانون اصلاح ماده 5 قانون تأمين و سائل و امكانات تحصيل اطفال و جوانان ايراني ‌مصوب 1355.11.11‌ماده واحده - ماده 5 قانون تأمين وسائل و امكانات تحصيل اطفال و جوانان ايراني مصوب سي‌ام تير ماه 1353 به شرح زير اصلاح و يك تبصره به‌آن اضافه مي‌شود:‌ماده 5 - تحصيلات فني و حرفه‌اي تا پايان دوره دانشبهري (‌فوق ديپلم) مجاني است.‌تبصره - دانشجويان و دانش‌آموختگان فني و حرفه‌اي دوره دانشبهري مؤسسات آموزش عالي وابسته به وزارتخانه‌ها و مؤسسات و شركت‌هاي دولتي‌كه براي سازمان‌هاي دولتي مزبور كارمند فني تربيت خواهند كرد ملزم به انجام دادن تعهدي كه سپرده‌اند خواهند بود اين دسته از مؤسسات آموزش‌عالي بايد در آگهي پذيرش دانشجو اين استثنا را اعلام دارند.‌تشخيص رشته‌هاي فني و حرفه‌اي حسب مورد در وزارت آموزش پرورش با شوراي عالي آموزش و پرورش و در وزارت علوم و آموزش عالي با‌شوراي مركزي دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالي كشور خواهد بود.‌قانون فوق مشتمل بر يك ماده پس از تصويب مجلس شوراي ملي در جلسه روز سه‌شنبه دوم آذر ماه 1355 در جلسه روز دوشنبه يازدهم بهمن ماه يك‌هزار و سيصد و پنجاه و پنج به تصويب مجلس سنا رسيد.‌لايحه قانوني اصلاح مواد 7 و 8 قانون تأمين وسايل و امكانات تحصيل اطفال و جوانان ايراني‌مصوب 1358.7.26‌ماده 7 - دانشجويان و هنرجوياني كه به خواهند از آموزش رايگان در دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالي داخل كشور استفاده نمايند مكلفند برابر‌مدتي كه از تحصيل رايگان استفاده كرده‌اند در ايران خدمت نمايند. در صورت استنكاف از انجام تمام يا قسمتي از خدمت مذكور بايد هزينه تحصيلات‌رايگان را تمام يا به تناسب مدتي كه خدمت نكرده‌اند به دولت به پردازند.‌دانشجويان و هنرجوياني كه مايل به استفاده از تحصيلات رايگان نيستند مكلف به پرداخت شهريه و هزينه تحصيلي مي‌باشند.‌تبصره - آيين‌نامه مربوط به احتساب هزينه تحصيلات عالي و نحوه خروج از كشور افراد مذكور و نيز نحوه اشتغال آنان از طرف وزارت فرهنگ و‌آموزش عالي تهيه و پس از تصويب هيأت وزيران اجرا خواهد شد.‌ماده 8 - دانشجويان و هنرجويان دانشگاه‌ها، دانشكده‌ها و مؤسسات آموزش عالي وابسته به وزارتخانه‌ها و مؤسسات عام‌المنفعه كه براي خدمت در‌دانشگاه‌ها، وزارتخانه‌ها، مؤسسات و شركتهاي مذكور آموزش مي‌بينند، مكلفند طبق تعهدنامه رسمي كه در بدو ورود برابر مقررات مربوط از آنان اخذ‌مي‌شود تعهدات خود را انجام دهند. در آگهي پذيرش دانشجو و هنرجو براي اين نوع مؤسسات، دانشگاه‌ها و دانشكده‌ها و تعهدنامه مزبور بايد شرايط‌تحصيل و كيفيت و ضمانت اجراي تعهدات قيد مي‌شود.‌از تاريخ تصويب اين قانون، مواد 7 و 8 قانون تأمين وسايل و امكانات تحصيلي اطفال و جوانان ايراني مصوب خرداد ماه 1354 لغو مي‌گردد.‌قانون پيوند اعضاي بيماران فوت شده يا بيماراني كه مرگ مغزي آنان مسلم است‌ماده واحده - بيمارستانهاي مجهز براي پيوند اعضاء، پس از كسب اجازه كتبي از وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشكي، مي‌توانند از اعضاي‌سالم بيماران فوت شده يا بيماراني كه مرگ مغزي آنان برطبق نظر كارشناسان خُبره مسلم باشد، به شرط وصيت بيمار يا موافقت ولي ميت جهت پيوند‌به بيماراني كه ادامه حياتشان به پيوند عضو يا اعضاي فوق بستگي دارد استفاده نمايند.‌تبصره 1 - تشخيص مرگ مغزي توسط كارشناسان خبره در بيمارستانهاي مجهز دانشگاههاي دولتي صورت مي‌گيرد. اين كارشناسان با حكم وزير‌بهداشت، درمان و آموزش پزشكي به مدت چهار سال منصوب مي‌شوند.‌تبصره 2 - اعضاي تيم‌هاي تشخيص مرگ مغزي نبايستي عضويت تيم‌هاي پيوند كننده را داشته باشند.‌تبصره 3 - پزشكان عضو تيم از جهت جراحات وارده بر ميت مشمول ديه نخواهند گرديد.‌آيين نامه اجرائي اين قانون به وسيله وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشكي و نماينده قوه قضائيه با هماهنگي سازمان نظام پزشكي جمهوري‌اسلامي ايران و بنياد امور بيماريهاي خاص ظرف سه ماه از تاريخ ابلاغ اين قانون تهيه و به تصويب هيأت وزيران خواهد رسيد.‌تاريخ تصويب 1379.1.17‌شوراي محترم نگهبان نظر خود را اعلام ننموده است.‌قانون مدني ‌مصوب 6 بهمن و 27 و 21 اسفند 1313 و 17 و 19 و 20 فروردين ماه 1314 شمسي (20/1/1314)‌ماده 1041 - نكاح اناث قبل از رسيدن به سن 15 سال تمام و نكاح ذكور قبل از رسيدن به سن 18 سال تمام ممنوع است. معذلك در مواردي كه‌مصالحي اقتضاء كند با پيشنهاد مدعي‌العموم و تصويب محكمه ممكن است استثناء معافيت از شرط سن اعطاء شود ولي در هر حال اين معافيت‌نمي‌تواند به اناثي داده شود كه كمتر از 13 سال تمام و به ذكوري شامل گردد كه كمتر از 15 سال تمام دارند.‌قانون مدني مصوب 6 بهمن و 27 و 21 اسفند 1313 و 17 و 19 و 20 فروردين ماه 1314 شمسي(20/1/1314)‌ماده 1043 - نكاح دختري كه هنوز شوهر نكرده اگرچه بيش از 18 سال تمام داشته باشد متوقف به اجازه پدر يا جد پدري او است هر گاه پدر يا جد‌پدري بدون علت موجه از دادن اجازه مضايقه كند دختر مي‌تواند با معرفي كامل مردي كه مي‌خواهد با او شوهر كند و شرايط نكاح و مهري كه بين آنها‌قرار داد شده به دفتر ازدواج مراجعه و به توسط دفتر مزبور مراتب را به پدر يا جد پدري اطلاع مي‌دهد و بعد از پانزده روز از تاريخ اطلاع دفتر مزبور‌مي‌تواند نكاح را واقع سازد ممكن است اطلاع مزبور به وسايل ديگري غير از دفتر ازدواج به پدر و يا جد داده شود ولي بايد اطلاع مزبور مسلم شود.‌قانون اصلاح موادي از قانون مدني(مصوب 8/10/1361)‌ماده 1041 - نكاح قبل از بلوغ ممنوع است.‌تبصره - عقد نكاح قبل از بلوغ با اجازه ولي صحيح است به شرط رعايت مصلحت مولي‌عليه.‌‌ماده 1043 - نكاح دختري كه هنوز شوهر نكرده اگر چه به سن بلوغ رسيده باشد موقوف به اجازه پدر يا جد پدري او است و هر گاه پدر يا جد پدري‌بدون علت موجه از دادن اجازه مضايقه كند دختر مي‌تواند با معرفي كامل مردي كه مي‌خواهد به او شوهر كند و شرايط نكاح و مهري كه بين آنها قرار‌داده شده به دادگاه مدني خاص مراجعه و به توسط دادگاه مزبور مراتب به پدر يا جد پدري اطلاع داده شود و بعد از 15 روز از تاريخ اطلاع و عدم پاسخ‌موجه از طرف ولي دادگاه مزبور مي‌تواند اجازه نكاح را صادر نمايد.‌قانون اصلاح موادي از قانون مدني(14/8/1370)‌ماده 24 - ماده 1041 قانون مدني به شرح زير اصلاح مي‌گردد:‌ماده 1041 - نكاح قبل از بلوغ ممنوع است.‌تبصره - عقد نكاح قبل از بلوغ با اجازه ولي و به شرط رعايت مصلحت مولي عليه صحيح مي‌باشد.‌ماده 25 - ماده 1042 قانون مدني حذف مي‌گردد:‌ماده 26 - ماده 1043 قانون مدني به شرح زير اصلاح مي‌گردد:‌ماده 1043 - نكاح دختر باكره اگرچه به سن بلوغ رسيده باشد موقوف به اجازه پدر يا جد پدر او است و هر گاه پدر يا جد پدري بدون علت موجه از‌دادن اجازه مضايقه كند اجازه او ساقط و در اين صورت دختر مي‌تواند با معرفي كامل مردي كه مي‌خواهد با او ازدواج نمايد و شرايط نكاح و مهري كه‌بين آنها قرار داده شده است پس از اخذ اجازه از دادگاه مدني خاص به دفتر ازدواج مراجعه و نسبت به ثبت ازدواج اقدام نمايد.‌قانون اصلاح ماده (1041) قانون مدني موضوع ماده(24) قانون اصلاح موادي از قانون مدني مصوب 1370‌ماده واحده - ماده (1041) قانون مدني موضوع ماده (24) قانون اصلاح موادي از‌قانون مدني و تبصره آن مصوب 1370.8.14 به شرح ذيل اصلاح مي‌گردد.‌ماده 1041 - عقد نكاح دختر قبل از رسيدن به سن 13 سال تمام شمسي و پسر‌قبل از رسيدن به سن 15 سال تمام شمسي منوط است به اذن ولي به شرط رعايت‌مصلحت با تشخيص دادگاه صالح.‌قانون فوق مشتمل بر ماده واحده در جلسه علني روز يكشنبه مورخ بيست و هفتم‌آذر ماه يكهزار و سيصد و هفتاد و نه مجلس شوراي اسلامي تصويب و در تاريخ1381.4.1 با اصلاحاتي درعنوان و متن به تصويب مجمع تشخيص مصلحت نظام‌رسيده است.‌قانون آيين دادرسي دادگاه‌هاي عمومي و انقلاب(28/6/1378)‌ماده 54 - متهم در دادگاهي محاكمه مي‌شود كه جرم در حوزه آن واقع شده است و اگر شخصي مرتكب چند جرم در جاهاي مختلف بشود در‌دادگاهي رسيدگي خواهد شد كه مهمترين جرم در حوزه آن واقع شده و چنانچه جرائم ارتكابي از حيث مجازات در يك درجه باشد دادگاهي كه مرتكب‌در حوزه آن دستگير شده رسيدگي مي‌نمايد و در صورتي كه جرائم متهم در حوزه‌هاي قضائي مختلف واقع شده باشد و متهم دستگير نشده، دادگاهي كه‌ابتدائاً شروع به تعقيب موضوع نموده، صلاحيت رسيدگي به كليه جرائم مذكور را دارد.‌فصل پنجم - ترتيب رسيدگي به جرائم اطفال‌ماده 219 - در هر حوزه قضايي و در صورت نياز يك يا چند شعبه از دادگاه‌هاي عمومي براي رسيدگي به كليه جرائم اطفال اختصاص داده‌مي‌شود.‌تبصره 1 - منظور از طفل كسي است كه به حد بلوغ شرعي نرسيده باشد.‌تبصره 2 - در حوزه‌هايي كه چنين دادگاهي تشكيل نشده باشد دادگاه عمومي برابر مقررات اين فصل به جرائم اطفال نيز رسيدگي خواهد كرد.‌ماده 220 - در هنگام رسيدگي به جرائم اطفال، دادگاه مكلف است به ولي يا سرپرست قانوني طفل اعلام نمايد در دادگاه شخصاً" حضور يابد يا‌براي او وكيل تعيين كند. چنانچه ولي يا سرپرست قانوني اقدام به تعيين وكيل ننمايد و خود نيز حضور نيابد، دادگاه براي طفل وكيل تسخيري تعيين‌خواهد كرد.‌تبصره - به كليه جرائم اشخاص بالغ كمتر از 18 سال تمام نيز در دادگاه اطفال طبق مقررات عمومي رسيدگي مي‌شود.‌ماده 221 - در جرائم اطفال رسيدگي مقدماتي اعم از تعقيب و تحقيق با رعايت مفاد تبصره ماده (43) توسط دادرس و يا به درخواست او توسط‌قاضي تحقيق انجام مي‌گيرد. دادگاه كليه وظايفي را كه برابر قانون بر عهده ضابطين مي‌باشد راساً به عمل خواهد آورد.‌ماده 222 - چنانچه درباره وضعيت روحي و رواني طفل يا ولي يا سرپرست قانوني او يا خانوادگي و محيط معاشرت طفل تحقيقاتي لازم باشد‌دادگاه مي‌تواند به هر وسيله‌اي كه مقتضي بداند آنرا انجام دهد و يا نظر اشخاص خبره را جلب نمايد.‌ماده 223 - احضار طفل براي انجام تحقيقات مقدماتي و رسيدگي در هر مورد از طريق ولي يا سرپرست او به عمل مي‌آيد، در صورت عدم حضور‌برابر مقررات اين قانون جلب خواهند شد. اين امر مانع از احضار و جلب طفل توسط دادگاه نمي‌باشد.‌ماده 224 - در جريان تحقيقات چنانچه ضرورتي به نگهداري طفل نباشد، براي امكان دسترسي به او و جلوگيري از فرار يا پنهان شدن وي با توجه‌به نوع و اهميت جرم و دلائل آن، حسب مورد با رعايت مقررات مذكور در مبحث دوم از فصل چهارم باب اول اين قانون يكي از تصميمات زير اتخاذ‌خواهد شد:‌الف - التزام ولي يا سرپرست قانوني طفل يا شخص ديگري به حاضر كردن طفل در موارد لزوم ، با تعيين وجه التزام، اعتبار افراد مذكور بايد احراز‌گردد.ب - ولي يا سرپرست طفل يا شخص ديگري براي آزادي طفل وثيقه مناسب (‌به نظر دادگاه) بسپارد.‌تبصره 1 - در صورتي كه نگهداري طفل براي انجام تحقيقات يا جلوگيري از تباني نظر به اهميت جرم ضرورت داشته باشد يا طفل ولي يا‌سرپرست نداشته يا ولي و سرپرست او حاضر به التزام يا دادن وثيقه نباشند و شخص ديگري نيز به نحوي كه فوقاً اشاره شده التزام يا وثيقه ندهد، طفل‌متهم تا صدور رأي و اجراي آن در كانون اصلاح و تربيت به صورت موقت نگهداري خواهد شد.‌تبصره 2 - اگر در حوزه دادگاه كانون اصلاح و تربيت وجود نداشته باشد به تشخيص دادگاه در محل مناسب ديگري نگهداري خواهد شد.‌ماده 225 - رسيدگي به جرائم اطفال علني نخواهد بود، در دادگاه فقط اولياء و سرپرست قانوني طفل و وكيل مدافع و شهود و مطلعين و نماينده‌كانون اصلاح و تربيت كه دادگاه حضور آنان را لازم بداند حاضر خواهند شد. انتشار جريان دادگاه از طريق رسانه‌هاي گروهي و يا فيلمبرداري و تهيه‌عكس و افشاي هويت و مشخصات طفل متهم ممنوع و متخلف به مجازات قانوني مندرج در ماده 648 قانون مجازات اسلامي محكوم خواهد شد.‌ماده 226 - در صورتي كه مصلحت طفل اقتضاء نمايد رسيدگي در قسمتي از مراحل دادرسي در غياب متهم انجام خواهد گرفت و در هر حال رأي‌دادگاه حضوري محسوب مي‌شود.‌ماده 227 - دادگاه به دادخواست مدعي خصوصي برابر مقررات رسيدگي كرده و حكم مقتضي صادر مي‌نمايد، حضور طفل در دادگاه ضروري‌نيست.‌ماده 228 - در صورتي كه يك يا چند طفل با مشاركت يا معاونت اشخاص ديگر مرتكب جرم شده باشند به جرائم اطفال در دادگاه رسيدگي كننده‌به جرائم اطفال رسيدگي خواهد شد.‌ماده 229 - دادگاه رسيدگي كننده به جرائم اطفال حسب گزارشهايي كه از وضع اطفال و تعليم و تربيت آنان از كانون اصلاح و تربيت دريافت مي‌كند مي‌تواند در تصميمات قبلي خود يك بار تجديد نظر نمايد، به اين طريق كه مدت نگهداري را تا يك چهارم تخفيف دهد.‌ماده 230 - آراء دادگاه رسيدگي كننده به جرائم اطفال برابر مقررات مربوط قابل تجديد نظر مي‌باشد.‌ماده 231 - اختصاصي بودن بعضي از شعب دادگاه‌هاي عمومي مانع از ارجاع ساير پرونده‌ها به آن شعب نمي‌باشد. |